



بدرود شاعر، « به گلوه بستن پرنده گان بهشت »



پیتر ریومکورف مطرحترین شاعر آلمانی پس از جنگ جهانی دوم درگذشت

برگردان از آلمانی: نیلاب موج سلام

نام: پیتر ریومکورف
تاریخ و محل تولد: 25 اکتوبر سال 1929 ترسای، شهر دارتموند، آلمان
تاریخ و محل درگذشت: 8 جون 2008 ترسای، ایالت شلسویگ هولشتاین، آلمان
تحصیلات دوره ابتدایی و ثانوی: سال 1951 آتین اویم [شهرک - م.] شتادی، آلمان
تحصیلات عالی: پیداگوزی و تاریخ هنر، شهر هامبورگ، آلمان
تحصیلات دیگر: روانشناسی و ادبیات جرمنی و ناتمام گذاشتن آن در 1957

فعالیت‌های فرهنگی:

1955 ایجاد « ایچی دانش جویان » که سپس از سوی این نهاد مجله « کانکریت » بیرون داده شد.
1958 - 1964 استاد دروس عملی در چاپخانه رو - وولت، مولف، نویسنده آزاد و منتقد ادبیات همچنان برای مجله

« کانکریت »

هموندی با نهاد های فرهنگی چون نهاد نویسنده گان آلمانی
اکادمی آلمان برای زبان و شعر
اکادمی آزاد هنر در هامبورگ

چهره های نمونه برای شاعر: هاینریش هاینه و برتولت برشت
دوست نزدیک شاعر: گیونتر گراس، نویسنده، شاعر، مجسمه ساز، سیاستمدار، مورالیست سرشناس اروپا و برنده
جایزه ادبی نوبل سال 1999



پیتر ریومکورف و گیونتر گراس

آثار چاپ شده:

1. اشعار داغ، ویس بادین، 1956
2. شادمانی زمینی در «گ»، پنجاه شعر، هامبورگ: رو - وولت، 1959
3. وولف - گنگ بورشیت، بیوگرافی، هامبورگ: روو - وولت 1961
4. پارچه های هنری، پنجاه شعر، هامبورگ: روو - وولت 1962
5. در مورد سرمایه ملت، راین بک: رو - وولت 1967
6. این چه معنا میدهد، فولسینی؟ صحنه های تکانهنده از زنده گی اقتصادی کلاسیک، راین بک، رو - وولت 1969
7. سالهایی را که شما میشناسید، خاطرات، راین بک: رو - وولت 1972
8. لومبارد، واپسین را بده (داستان)، برلین، واگن باخ، 1972
9. خانه سامانها می آیند (داستان خانواده گی)، برلین: واگن باخ، 1974
10. والتر از فوگیل هایده، کلوپستوک و من، راین بک: رو - وولت، 1975
11. فونیکس - به پیش! اشعار، درای - ای ش: پاول پان، 1977
12. درس توفانی 1. نظم، راین بک: رو - وولت، 1978
13. قابل استفاده تا آخر 1999 (اشعار)، راین بک: رو - وولت، 1979
14. بدرود در کنییل - وورته، افسانه در سیزده فصل، فرانکفورتر ماین: فیشر، 1980
15. در [مسیر - م.] سفر باد، شعر و قصه، برلین: بیرتیلسمن، 1980
16. اگر اگر - تساورتساوریم، پیرامون تاریخ طبیعی قافیه و هماهنگی روانی انسانی، راین بک: رو - وولت، 1981
17. مشتری کوچک نا پاکی، زیوریخ: هافمن، 1982
18. کلبه های کوت پشگل، حکایت توضیحی، راین بک: رو - وولت، 1983
19. واپسین سفر بلاو بارت، قصه، درای ایش: پاول پان، 1983
20. لرزان و مقاوم بمان (مقالات، سخنرانیها)، راین بک: رو - وولت، 1984
21. کتاب قرایت من، فرانکفورتر ماین: فیشر، 1986
22. به جز عشق دیگر هیچ (اشعار عاشقانه)، راین بک: رو - وولت، 1986
23. دینت مان و شیند مان، حکایت توضیحی، لایبزیگ: ریکلام، 1986
24. خود سخنران و خود قافیه ساز، اشعار - اندیشه ها، دیدگاههای روشنی انداز، شتوتگارت: ریکلام، 1988
25. یگانه مانند ما همه (اشعار)، راین بک: رو - وولت 1989
26. سیزده شاعر آلمانی، راین بک: رو - وولت، 1989
27. خود 3 [سه رومی - م.]، از میان آرامش، زیوریخ: هافمنس، 1989
28. بیرون بیا!، سرودها، افسانه ها، پارچه های هنری، برلین: واگن باخ، 1992
29. بگذار بدرخشد!، خاطره، تابو، اشعار، پورتره های خویشتن و بدون کلاه، راین بک: رو - وولت 1993
30. تابو 1 [یک رومی - م.]. دفترچه های خاطرات 1989 تا 1991، راین بک: رو - وولت، 1995
31. من میل دارم، در یک محوطه بزرگ... ملاحظات یک مهره یی از میان برداشته شده شطرنج، گت - تینگن: وال شتاین، 1996
32. آزار، میل، مکر (1) حکایت توضیحی، راین بک: رو - وولت، 1996
33. کتاب دوستی، رماگن - رولاندسک، رومر کیرشین، 1996

34. هر گاه - اما ، پس. اشعار یکی پیش از پسین. راین بک: رو - وولت، 1999
35. از سوی من به شما برای ما [مطرح ساختن « ما » به عنوان نی « من » و نی « تو » - م.]، گت - تینگن: شتایدل، 1999
36. در جایی که من آموخته ام؛ گت - تینگن: والشتاین، 1999
37. در کار مشترک، اشعار در مورد عشق و مرگ، طبیعت و هنر، زیوریخ: هافمنس، 2000، با روبرت گیارن هارت
38. آهنگ آلمانیها، گت - تینگن: والشتاین، 2001
39. جرقه ها میان کلاه و بوت پرواز میکنند، میونشن: دویچی فیلاگس انشتالت، 2003
40. تابو 2 [دوی رومی - م.]، دفترچه های خاطرات 1971-1972، راین بک: رو وولت، 2004
41. آن گاه که من واقعا من [من دوم با حروف بزرگ - م.] میگویم، گت - تینگن: شتایدل. 2
42. بیدار شدن و باز یافتن، اشعار، فرانکفورتر ماین: اینزیل، 2007
43. به گلوله بستن پرنده گان بهشت، اشعار، راین بک: رو - وولت، 2008

مهمترین جوایز

- 1958 جایزه - هوگو - یاکوبی
- 1964 شتیبیندیوم از سوی ویلا ماسسیمو در روم
- 1976، جایزه یوهان - هاینریش - میرک
- 1979، جایزه اننیتی - فان - دروستی - هیولس هاف
- 1980، جایزه الکساندر - تسین برای صلح و شهر بندری هامبورگ
- 1980، جایزه الکساندر - تسین
- 1980، جایزه ادبیات هانور
- 1984، جایزه افتخاری اجتماع هاینریش هاینه از سوی شهر دوسلدورف
- 1986، جایزه آرنو - شمیت
- 1988، جایزه هاینریش - هاینه از سوی آلمان شرق [آن زمان - م.]
- 1993، جایزه جورج - بیوشنر
- 1994، مدال هنر و علم شهر آزاد و بندری هامبورگ
- 1999، منزلت داکتر افتخاری فاکولته فلسفه یونیورسیتی گت - تینگن

بازیگر زبان و روشنگر

شاعر روشنگر و بازی کننده با زبان [لفظی - م.] در سن 78 ساله گی در اثر ابتلا به بیماری سرطان درگذشت. او یک اندیدوالیست و ادبیات شناس باور ناکردنی بود و هراسی برای داشتن موضع روشنش در ساحت سیاست نداشت. پیتر ریوم کورف بزرگترین شاعر آلمان در سالهای پسین بود.

به حیث «رمانتیست سرخ» همچنان یاد میشد، پیتر ریومکورفی که مانند او هیچ مولف و شاعر دیگر آلمان تخصصش را در غزلسرای و شاعری نزیست؛ او به حیث یک شخصیت بیرونی و فردیت گرا «چهره هماهنگ مهربان» را چنانچه خودش [در مورد خویشتن - م.] بیان داشته بود، نمیتوانست بیرون بدهد. او به عنوان انسان که موضع سیاسی خودش را داشت، در بحثها مداخله میکرد؛ دوستدار آزادی بود؛ با سخنانش دیگران را تحریک میکرد و نه کم روی میداد که لطیفه میگفت و موضوعات را به عالیترین شکل افاده میکرد. چنانچه واپسین گزینة اشعارش که در سال روان بیرون داده شد زیر نام «به گلوله بستن پرنده گان بهشت» - تنها نام آن به شکل قشنگ و اقبیبانه، بلند پروازانه با نظم بازی میکند:

„ Ich klage zu Recht in einem Gedicht:
Meine schöne Geliebte liebt mich nicht.
Da schrieben die Leserinnen zuhauf:
Dann gib doch die blöde Geliebte auf“

در شعری به دادگاه شکوه خواهم برد
که دل ربای زیبایم مرا دوست نمیدارد
آن گاه بانوان، انبوه نامه خواهند نوشت
پس رهاکن این معشوقه ابله را

ده ها سال پیتر ریومکورف بزرگترین شاعر آلمان بود. یک زبان شناس، منتقد جامعه، یک روشنگر که در رواجهای کلپستوک، ای شنیدورف، کلاودیوس (2) به مهمترین جایزه ها از آن شمار به جایزه بیوشنر (3) (1993) نایل آمد. او که از سوی دوستانش « لیونگی » نامیده میشد، در ابوفیل - گینه با نگاه به بندر هامبورگ میزیست. پیتر ریومکورف، متولد 1929 دارتموند، چونان ایلبه و الستر (4) به هامبورگ متعلق بود. اما در واپسین روز ها دیگر نمیتوانست در منزلش به سر ببرد. راه برای مبتلا به بیماری سرطان سخت پرنشیب شد. پس با همسرش، ایفا سیاستمدار « حزب سوسیال دموکراتهای آلمان » به لایون بورگیش کوچید. در آن جا پیتر ریومکورف در سن هفتاد و هشت ساله گی در یک یکشنبه چشم از جهان پوشید.

چند ساعت پیشتر از آنکه شاعر بدرد حیات بگوید، اعلام شد که ریومکورف از بابت کار برد شوخی در آثارش به جایزه ادبیات [شهر - م.] کسل سال 2009 نایل آمده است.

ریومکورف اشعارش را از میان واژه ها نی بلکه از ذهنش مینوشت. این را زمانش از او میخواست و یا چنانچه فرانکفورت الگمایتر تسایتونگ [روزنامه سرشناس فرانکفورت - م.] نوشت، « ریومکورف شاعری است که آنقدر در یک شعر دست میزند و میبافد گویا میسپیل (5) هامبورگ را با چوبک گوگرد بنا میکند». او پیرو سونیفیکشن یا انسان نمایی فورمهای کهنه شعری را پارادوگسی میساخت. زبان ادبی را با زبان محاوره بی آلمانی یکجا میکرد، واژه ها را از وابسته گیهای پذیرفته شده و آشنا میربود و در پیوند های تازه قرار میداد. کسانی که از خواندن شعر میهراسند و میگریزند، در کنار ریومکورف این میل را مییابند.

خداوندان شعری او « برشت » و « بین » نام دارند، او در پیروی از رواج تحت تاثیر هاینه قرار داشت. ولی تلویزیون و اعلانات همچنان برای وی سرچشمه درخشش بوده اند. عشق، حقیقت، گذرا بودن و دوستان انگاره های همراه برگشت پذیر در آثار ریومکورف بوده اند. پس آثار متعدد، پارچه های تیاتری، دفترچه های خاطرات و نوار های صوتی از آن شمار مهمترینهایش « سالهایی را که میشناسید »، « لرزان و مقاوم بمان » و « تابو 1 » و « تابو 2 » به وجود آمدند.

در اشعارش که از خوانندنیترین و تاثیر گذار ترین اشعار پس از جنگ [جهانی دوم - م.] به شمار می آیند، شوخی، اعتماد، بازیهای زبانی، فردیت گرایی کرکترش را مشخص میسازند. شعر گفتن را ریومکورف بسیار وقت فرا گرفت. او نزد مادرش، آموزگاری (پدرش پیش از به دنیا آمدن ریومکورف فرار را بر قرار ترجیح داد و آنها را ترک گفت) که برای مناسبتها و جشنهای مکتب شعر میگفت، پرورش یافت. « من خیلی زود درک کردم که شاعری با همراهی [دوستی - م.] سر و کار دارد »، ریومکورف بیان کرده بود. او یک مشاهد و مراقب ژرفنگر زنده گی روزمره بود که بسیار پیش در یکی از نخستین آثارش « در مورد سرمایه ملت » به خواست ملت نگریست.

در واپسین مصاحبه اش که در بهار سال روان با نشریه « تسایت » انجام داده بود، چنین گفت « من همراه نو را آزموده ام، تا حدودی با چنگ انداختن به کهنه، به گونه پارادوگسی؛ نه به خاطر زشت نمودن کهنه بل به خاطری که آن را در یک شوخی، در یک درخشش تازه بازتاب بدهم. » این که آیا او را میشود فهمید، در مورد ریومکورف خود اندیشه کرده بود که دانش آموزان احمق میشوند زیرا دیگر ناچار نیستند اشعار را به خاطر بسپارند. نسخه اش را ریومکورف چنین نوشت « ساده شدن به گونه رادیکال. پیچیده، یک زمانی بازار داشت. زیرا « زوبنیلینیت {6} » را امروز کمتر خواننده بی میداند. « بلی، و در برابر نسلی به مخالفت بر میخیزد « زیرا که » از نگاه دستور زبان درست نیست، نسلی که میپندارد که از هاینه، هیلدرلین و بین نمیتوانند بیاموزد. و اما این شاعران زمانها را پشت سر گذاشتند و با آثار ریومکورف همچنان چنین خواهد شد.

چند دیدگاه بر پیتر ریومکورف « یک مرد عالی، تا مرز جنون شاعر زیبا »

Horst Köhler

هارست کیولر رییس جمهور آلمان: « ادبیات آلمان شاعر بزرگش را از دست میدهد. آنچه خواننده را [در اشعار پیتر ریومکورف - م.] بار بار به شگفت و داشته و هیجان بر انگیز بوده است، پیوند دادن استثنایی جدیت با مزاح است؛ از پنهانترین احساسات گرفته تا برملاترین خواهشات. [این - م.] هنر بزرگ او برای ما امید بخش است که شاید تضادهای زنده گی با هم آشتی پذیر باشند.

Stefan Aust

شتیفان اوست، مدیر مسوول پیشین شپیگل: یک مرد عالی، تا مرز جنون شاعر زیبا.

Ulla Hahn

اوولا هان، نویسنده: پیتر ریومکورف میدانست چگونه با دشواریها بازی کند: مصمم و در عین زمان با نرمش. او برای آفریدن اشعار بزرگ سوژه های بزرگ به کار نداشت.

Martin Walsner

مارتین والسنر، نویسنده: پیتر ریومکورف احساساتش را با احتیاط تمام لمس میکرد و با احتیاط بیشتر افاده. به ساده گی، زیرا او دارنده احساسات بزرگ بود. بسیار بزرگ برای این دنیا.

ما شاعر ملت ما را از دست دادیم

نظم (شعر) و سیاست ریومکورف پدیده های زنده پی هستند که وی هرگز آنها را در خویش از هم سوا نساخت. تیوری شاعری او چنین است: چنان که خاطرات بدون خشونت اثری را می آفرینند، همان گونه بایست مردم در یک فضای زیبای اختیاری به کمک هم بشتابند.

دفتر های نازک فزیک و مورالی شعری را که پیتر ریومکورف هر ده سال به منظور چاپ به راین - بک میبرد، میگذاریم و میگذاریم از سوی شاعر بر ما در دقایق غم انگیز مرهم گذاشته شود. ما نمیتوانیم واقعا بنمایانیم گویا با مرگ او غافلگیر شده ایم. چنین بیچاره [یکی از اصطلاحات دوستنداشتنتی ریومکورف که بار بار در اشعارش به کار رفته - م.] نگاه نکنیم.

جون 2008

رویکرد ها

1. Sprachspieler und Aufklärer, Armgard Seegers, Hamburger Abendblatt, 10 Juni 2008
 2. Frankfurter Allgemeiner Zeitung, 10 Juni 2008
 3. www.faz.net
- Leben, Auszeichnungen, Schriften Gesamtausgaben dem Peter Rühmkorf

اشاره ها

1. تکرار آوایی و نظم واکه ها در واژه ها در وابسته گی با نام این کتاب در زبان آلمانی مشهود است:
Die Last, die Lust und die List
یکی از خطرانی که ما را هنگام برگردان و ترجمه اشعار و نثر های ادبی تهدید میکند، همانا نبودن امکانات برای مراعات برگردانیدن قافیه و وزن و همچنان صناعات لفظی شعری هست.
2. نهاد های فرهنگی و علمی معتبر آلمانی که به یاد بود از کلویستوک شاعر (1724 - 1803)، ای شیندورف شاعر (1788 - 1857)، کلاودیوس شاعر (1815 - 1771) نامگذاری شده اند.
3. جایزه جورج - بیوشنر مهمترین و بزرگترین جایزه که از سوی این نهاد جورج - بیوشنر (تاسیس در سال 1923 به یاد بود از نویسنده، فیلسوف و دانشمند آلمانی بیوشنر) از سوی اکادمی زبان و شعر آلمان در شهر دارمشتات آلمان توضیح میگردد.
4. ایلبه، دریای معروف اروپا که از قلب هامبورگ میگذرد.
- الستر، دریای فرعی پایین ایلبه که به الستر بیرونی و درونی تقسیم شده و از زیباترین مناظر در شهر هامبورگ به شمار میرود.
5. کلیسای معروف و کهن واقع در میونکیبریگ شتراسی هامبورگ
6. این یکی از آن واژه های کهنه پی است که جایش را با عین معنا « فاین زیننیگ کایت » پر کرده است. هر دو واژه
Die Subtilität
Die Feinsinnigkeit
به معنای نازک خیالی، حساس اندیشی و پیچیده اندیشی آمده اند.